

اسلام؛ مدافع ۱۰۰درصد زنان



حجت الاسلام والمسلمین حسین شومام
عضو هیئت علمی جامعه اسلامی امامیه

یکی از موضوعات پربحث در آیات قرآن، تفاوت زن و مرد و وظایف آن‌ها در برابر یکدیگر است. قرآن کریم در آیه «الرجال قوامون علی النساء» مردان را قوام معرفی می‌کند؛ یعنی کسی که تدبیر امور در دست اوست یا کامل‌ترین قیام‌کننده و فردی که مدیریت کار را برعهده دارد. بر همین اساس، معنای آیه این است که مردان بر امور بانوان، مدیریت و تسلط و زعامت دارند.

اقتضائات زنانه و مردانه

مردان و زنان اقتضائات خاص خود را دارند و اقتضائاتی در زندگی زن و شوهر هست که باید مرد در آن دخالت کند، مثلاً به‌طور معمول شجاعت در امور سخت در مردان، بیشتر از زنان وجود دارد یا موضوع غیرت و حفظ ناموس و خانواده و فرزندان در مرد، متبلو تر است. توانمندی‌های جسمانی، قدرت مقابله و ایستادگی در مقابل دشمنان، توانایی برای تأمین معاش و انجام کارهای سخت، همگی اقتضائات خاص هستند.

قرآن کریم برای زنان نیز وظیفه یا کد امنی را در نظر گرفته است و از تعبیر «قانتات» برای آن‌ها استفاده می‌کند، یعنی زنانی که به شدت تسلیم و مطیع خدا هستند.

زنان؛ شریک در اجر جهاد مردان

مرد یا وجود قوامیت، بدون داشتن زنی که در احساسات و عواطف در اوج باشد، نمی‌تواند به کمال دست یابد. خوب شوهرداری کردن زن به معنای تربیت درست فرزندان، رابطه مناسب با همسر در امور احساسی و عاطفی، تدبیر مدیریت داخلی زندگی و در نتیجه رضایت همسر از اوست. زنی که این امور را به درستی انجام دهد، در همه کارهایی که مردان می‌کنند، شریک است، یعنی اگر مرد او به جهاد برود، جانباز شود، به شهادت برسد یا به حج برود، با او شریک خواهد بود. این امر نشان دهنده آن است که در زندگی اقتضائات گوناگونی وجود دارد و باید بین زن و مرد تقسیم کار شود و خداوند متعال، حکیمانه مطابق اقتضائات زن و مرد، تقسیم کار کرده است.

به عقلانیت دینی خود بازگردیم

ما باید به عقلانیت دینی خود برگردیم و به کلام خدا آن‌گونه که هست، با بیان ائمه معصوم^(ع) و انسان‌های خیره و فهمیده و دانشمند توجه کنیم. آموزه‌های دینی ۱۰۰درصد به نفع بانوان است. متأسفانه برخی مردم این آیه را این‌گونه تفسیر می‌کنند که گویی خداوند در آن از سرکوب زنان و خانه‌نشین کردنشان صحبت کرده است، درحالی‌که خداوند در این آیه می‌فرماید: زن باید پشتوانه قوام داشته باشد و نباید بی‌پناه باشد که هر آدمی از هرجا رسید، به او تعرض کند و هر انسانی به او طمع ناپجا داشته باشد و زندگی و آینده‌اش در خطر باشد.

اشارت

شوق دیدار تو دارد جان بر لب آمده!

دل‌تنگی حس دوپهلویی است، هرچه مشتاق‌تر و عاشق‌تر، در وقت فراق و جدایی، دل‌تنگ‌تر و غمگین‌تر در تمام زندگی‌ما حتی اگر عاشق نشده باشیم، حتماً حس دل‌تنگی را تجربه کرده‌ایم. بسیاری از علما با لطف طبع خود و ارتباطی که با محبوب خویش داشته‌اند، در باب علاج دل‌تنگی یعنی زیارت و وصل سخن گفته‌اند. برای ما انسان‌های عادی، محبوب‌ها و معشوق‌های متعددی می‌تواند وجود داشته باشد. نه اینکه زبانم لال جای محبوب اصلی را بگیرند. اما هستند کسانی که به آن‌ها ارادت داریم و شوق دیدارشان، جان ما را به لب می‌آورد، مثلاً برای شیعیان دوازده‌مامی سراسر جهان، شوق زیارت امام رضا^(ع) این‌گونه است.

همان‌طور که گفتیم، حتی علما هم از احساسات به دور نبوده‌اند و برای این حس دل‌تنگی فکری کرده‌اند. سیدبن طاووس روز چهارشنبه را روز زیارتی چهار امام معصوم^(ع) معرفی کرده است و برای حضرت موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمدبن علی و علی بن محمد (علیهم‌السلام) زیارت‌نامه‌ای مختصر هم برای این روز نقل کرده است که در هرجایی باشید، می‌توانید با پوشیدن لباس خوشبو و در حالت پاک و به دور از آلودگی رو به‌سوی حرم ایشان کرده، آن را بخوانید.

شیخ طوسی از امام صادق^(ع) نقل می‌کند: «هرکمی خواهد قبر رسول!... و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین (علیهم‌السلام) و قبور سایر ائمه را زیارت کند، درحالی‌که در سرزمین خودش است، روزی جمعه غسل کند و دو لباس پاکیزه بپوشد و به بالای تپه‌ای برود و چهار رکعت نماز بخواند» (شیخ طوسی، مصباح‌المتجهد و سلاح‌المتعبد، ج یک، ص ۲۸۸). از هر بلندی که گذر می‌کنید، می‌توانید رو به حرم امام هشتم^(ع) سلام دهید و مطمئن باشید همان‌طور که در روایات نقل شده است، آن امام بزرگوار سلام شما را پاسخ می‌دهند. این علاجی برای کاهش دل‌تنگی و حس حضور در محضر حضرت است. آن‌شاء... که در این روز زیارت همه ما پذیرفته شود، «کاین اشارت ز جهان گذران، ما را بس!».

بردار و بخوان

نامه‌های بلوغ

سمانه رضوانی! «در بطن تاریکی، چراغ‌ها بارور می‌شوند. و همین بشارت برای تو بس، که از ظلمات نترسی، که هدایت خدا، در متن گمراهی جلوه‌ها دارد؛ «وَإِنْ كُنَّا لَأَوْمِنُ قَبْلَ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ». در این بشارت، سز بزرگی است که می‌تواند غربت و تنهایی تو را، اگر خدا در دلت مشعلی روشن کند و در سینه‌ات نوری برافروزد. به انس و تولید بیش‌تر منتهی سازد تا پس از تولدت، عقیم نمائی.» نامه‌های بلوغ، نوشته یک پدر است؛ پدری که از نگرانی‌هایش برای فرزندانش می‌گوید، پدری که حواسش هست چه چیز مانع رشد فرزندش می‌شود تا در دل ناامیدی‌ها برای پاره تنش امید بسازد.

از ظلمات نترسی که هدایت خدا، در متن گمراهی جلوه‌ها دارد؛ «وَإِنْ كُنَّا لَأَوْمِنُ قَبْلَ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ». در این بشارت، سز بزرگی است که می‌تواند غربت و تنهایی تو را، اگر خدا در دلت مشعلی روشن کند و در سینه‌ات نوری برافروزد- به انس و تولید بیشتر منتهی سازد تا پس از تولدت، عقیم نمائی.»

کتاب «نامه‌های بلوغ» را علی صفایی حائری خطاب به فرزندانش نوشته و انتشارات لیل‌القدر در سال ۱۳۸۹ منتشر کرده است.

این توصیه‌ها فقط برای فرزندان او نیست و مخاطب کتاب می‌تواند همه جوانان و نوجوانان باشند.

«در راه خدا، در کنار سختی‌ها و مصیبت‌های طولانی، کسانی پیرجای می‌مانند که با هدف و ارزش هدف و با این محاسبه و ارزیابی راه افتاده‌اند، نه آن‌ها که به‌خاطر شیرینی راه و انس همراه، گام برداشته‌اند که راحتی و سرسبزی راه، با رنج‌های کمین‌گرفته و کویرهای طولانی، سخت و دردآور می‌شود و همراهان

همدل، به دشمنی و حسادت و دنیاطلبی و عداوت گرفتار می‌شوند و اگر کار به برگشت و ارتداد نینجامد، به اشعاب و اصطکاک خواهد کشید. توقع از راه و توقع از همراهان، به جدایی از هدف و چشم‌پوشی از ارزش‌ها می‌انجامد. توقع زیاد، تحمل را کم می‌نماید. سالک اگر از رنج‌های راه و تنهایی وحشت دارد، می‌تواند آغاز نکند و بجاست که مربی همراه، آنچه را که فردا رخ می‌نماید، امروز آشکار سازد و تمامی راه را نشان بدهد و سختی‌ها را با هدف، آسان نماید، نه با خوشی‌ها و خوشایندهای موسمی و با انس‌ها و دلگرمی‌های مقطعی که در آغاز همیشه دل‌انگیز هستند.»

مروری بر رفتارهای اجتماعی و سیره عملی امام رضا^(ع)، پراساس روایات

زندگی کردن زیر سایه خورشید

ریحانه عامل‌نیک! ما اهل تشیع، ولایت و ائمه اطهار^(ع) را نور روشنی در تاریکی‌های دنیا می‌دانیم و برای ما مسلمانان پیامبرندیده، ائمه اطهار^(ع) حکم رشته‌اتصالی از نور هدایت و نجات را دارند. در زمانه غیبت امام‌زمان^(ع) نیز همواره این‌گونه است که ماشیعیان مانند تشنه‌ای هستیم که کمبود داریم؛ کمبود نور برای رشد و زیستن، اما ما مسلمانان این دوره رها نشده‌ایم و رشته اتصال ائمه^(ع) برای ما با حدیث و سیره ایشان به جای مانده است و آقا امام‌زمان^(ع) نیز سایه‌شان بر سر ماستندام است. همان‌طور که گفتیم، این خلأها و کمبودها را می‌توانیم با رجوع به تاریخ دینی و شناخت بزرگان دینمان جبران کنیم. در روز زیارتی امام هشتم^(ع) به سراغ احادیث و روایاتی می‌رویم که درباره ایشان به ما فهم متفاوتی ارائه می‌کنند؛ اینکه حضرت در اجتماع، با دیگران و اطرافیان خود چگونه رفتار و برخورد می‌کردند.

صدقه و کمک را به‌صورت پنهانی انجام می‌دادند.

درس و بحث را ذکر خداوند می‌دانستند.

فروتن بودند؛ مانند مردم معمولی لباس می‌پوشیدند و رفتار می‌کردند. بسیار پیش می‌آمد که ایشان را یا مردم عادی اشتباه می‌گرفتند.

به حقوق کارگران اهمیت می‌دادند. می‌گفتند: «پیش از انجام کار، مزد کارگر را تعیین کنید».

می‌گفتند: نباید رضایت خداوند را به رضایت خلق خدا فروخت.

بهترین قسمت غذایشان را برای نیازمندان می‌فرستادند.

می‌گفتند: با همه یکسان برخورد کنید، حتی در لبخند زدن هم عدالت را رعایت کنید.

هرگز درخواست کسی را، اگر توان انجامش را داشتند، رد نمی‌کردند.

وقتی در منزل میهمان داشتند، تکیه نمی‌دادند.

محببتشان به خواهرشان، حضرت معصومه^(س)، زبانزد و معروف بود.

چهارشنبه‌امام‌رضایی



مقابل میهمانشان از جای برمی‌خاستند.

هم‌صحبتی با مردم را بسیار دوست داشتند.

در گفت‌وگو حرف کسی را قطع نمی‌کردند.

اجازه نمی‌دادند میهمانشان در خانه کاری انجام دهد.

فرزند بزرگ پدرشان بودند و در سال‌های طولانی زندان پدر، همه خانواده را سرپرستی می‌کردند.

به دوستانشان می‌گفتند: زیبا و مناسب بپوشید.

برای همه وقت می‌گذاشتند. گاهی که فرصتی پیش می‌آمد، همه اهل خانه حتی خدمتکاران را دورهم جمع می‌کردند.

ایشان روزه گرفتن را بسیار دوست داشتند.

یک سال در روز عرفه، تمام دارایی‌شان را به نیازمندان بخشیدند. می‌گفتند: «برآوردن حاجت مؤمن، برتر از ده بار طواف خانه خداست».

وقتی به دیدار مردم می‌رفتند، بهترین لباسشان را می‌پوشیدند.

وقتی شخصی کاری برای ایشان انجام می‌داد، هرقدر هم کوچک بود، بسیار تشکر می‌کردند.

به دوستانشان سفارش می‌کردند به دیدار یکدیگر بروند.

وقت غذا خوردن، تفاوتی بین افراد قائل نبودند. می‌گفتند نگهبانان و دربانان هم حضور داشته باشند.

می‌گفتند: «اگر من بالای سر شما ایستادم و شما مشغول غذا خوردن بودید، به احترام من بلند نشوید».

منابع:

کلبینی، محمدبن یعقوب، الکافی، جلدیک. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹. صدوق، محمدبن علی، عیون اخبارالرضا، جلد۲.

روشنا

خداوند جهاد را برای عزت و سرافرازی اسلام مقرر فرموده است. (بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۳۳)

حضرت فاطمه زهرا (س)؛

جَعَلَ... الجِهَادَ عِزًّا لِّلْإِسْلَامِ.

از بلندای آرزو بر تو سلام!

ما ندیده‌ایم اما می‌گویند در گذشته وقتی مشتاقان و زائران برای زیارت بقعه متبرک حضرت رضا^(ع) به شهر مشهد می‌آمدند، در محلی به نام تپه‌سلام توقف می‌کردند؛ بلندی‌ای که از آنجا شهر مشهد و گنبد حرم مطهر امام‌رضا^(ع) رؤیت‌پذیر بود. کاروان زائران در این نقطه می‌ایستادند و نخستین سلام مشتاقانه و آرزومندانه خود را از آنجا به

خورشید آسمان ایران، امام رثوف^(ع)، می‌رساندند. در سفرنامه‌هایی متعلق به قرن چهارم و پنجم به تپه‌سلام اشاره شده است و بعید نیست که هنوز مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌های ما نیز محل آن را در ذهن و خاطر خود به یاد داشته باشند. شهر مشهد صرفاً دارای یک تپه‌سلام نبوده است. بر این اساس، این

می‌کردند و وقتی به بالای کوه می‌رسیدند، به زیارت‌اولی‌ها بار اول گنبد امام را نشان می‌دادند که به گنبد نما معروف بود. مردم بعد از ادای سلام، ستون‌های دست‌چین مرتبی را در بالای تپه‌ای که به تپه‌سلام معروف بود درست می‌کردند. زائران در همین محل نخستین بار اذن دخول می‌گرفتند و زیارت‌نامه را قرائت می‌کردند، سجده شکر به‌جا می‌آوردند و با پخش شیرینی، شادی‌شان را از این نخستین دیدار نشان می‌دادند.

شهر علاوه‌بر تپه‌سلام فعلی که در هجده‌کیلومتری جاده فریمان به مشهد واقع شده است، دارای تپه‌سلام‌های متعدد دیگری در سمت جاده قوچان، حول‌وحوش اراضی کنونی صفی‌آباد شاندیز و همچنین در سمت جاده کلات و سرخس، بوده است. شاید واژه «چاووشی‌خوانی» را شنیده باشید؛ برای زیارت امام‌رضا^(ع) هم این رسم انجام می‌شده است. زائران وقتی به تپه‌سلام می‌رسیدند، شروع به چاووش خوانی در وصف امام‌رضا^(ع)

احکام

آیت!...العظمی‌خامنه‌ای: استفاده از الفاظ رکبک، شایسته مؤمن نیست و همچنین اگر موجب اهانت یا ایذای دیگران شود، جایز نیست.

آیت!...العظمی‌سیستانی: سب مؤمن، حرام است.

آیت!...العظمی‌شیریزی: ناسزاگویی به مؤمن ولو اینکه او نشنود، حرام است.

آیت!...العظمی‌صافی‌گلپایگانی: ۱. گفتن کلمات رکبک هرچند در تنهایی، شایسته مؤمن نیست. ۲. از بیان کلمات رکبک هرچند در خلوت اجتناب کنید.

آیت!...العظمی‌مکارم‌شیرازی: این کار خلاف دستور شرع است.

آیت!...العظمی‌نوری‌همدانی: گفتن ناسزا در شأن مؤمن نیست.

ناسزا، خلوت و جمع ندارد

پرسش

ناسزا گفتن در تنهایی و خلوت خود به دیگران چه حکمی دارد؟

پاسخ اجمالی

دشنام و ناسزاگویی و استفاده از الفاظ رکبک در شان مؤمن نیست و اگر مخاطب با شنیدن آن مشمول اهانت قرار گیرد، حرام است. البته برخی مراجع، ناسزاگویی را به‌طور مطلق - چه در خلوت و چه در حضور مخاطب- جایز ندانسته‌اند؛ اگرچه توهین در خلوت، شاید حق الناسی ایجاد نکند و مجرد توبه و استغفار برای طرف مقابل، کافی باشد.